

بازداشت سارقان طلافروشی

دو مرد که از طلافروشی نیم کیلو طلاسرقت کرده بودند، بازداشت شدند. سردار محمد طراقیه، فرمانده انتظامی استان زنجان به سایت پلیس گفت: در پی وقوع یک فقره سرقت از یک مغازه طلافروشی، در یکی از محله‌های شهر زنجان تحقیقات آغاز و رد دو مرد در این ارتباط به دست آمد که متهمان تحت تعقیب قرار گرفتند و سرانجام بازداشت شدند. در بازرسی از خانه آنها از سه عدد دستبند، یک عدد انگشتر، دو عدد زنجیر با ینلاک و چهار عدد سکه جمعا به وزن بیش از نیم کیلو کشف شد. ارزش اموال یک میلیارد و ۵۰۰میلیون تومان بوده است.

عدلیه

رازگشایی از قتل مرد پولدار در دادگاه



چهار مرد که برای اخاذی از پیرمرد پولدار او را ربوده اما مرگش را رقم زده بودند به اتهام قتل و معاونت در کشتن پیرمرد از خود دفاع کردند. دختر مقتول برای قاتلان پدرش درخواست قصاص کرد و گفت که حاضر به گذشت از خون پدرش نیست.

پرونده

به گزارش خبرنگار جام جم، ۱۷ خرداد ۹۹ دختر جوانی نزد پلیس رفت و ناپدید شدن پدرش را خبر داد و گفت: پدرم یک نانواپی بزرگ و تعداد زیادی مغازه و ملک دارد. امروز تلفنش رنگ خورد و گفت از طرف اتحادیه نانواپی بوده و باید به آنجایی رفت. ساعت ۱۰ صبح من با خودروام او را به اتحادیه رساندم و بعد هم رفتم. اما دیگر را پدرم خبری نشد. هرچه با تلفن همراهش تماس می‌گیرم، تلفن خاموش است و تکران او هستم. همچنین دو ماهی می‌شود که زن جوانی به نام طناز با پدرم تماس می‌گیرد و سولاتی درباره کارش از او می‌پرسد نمی‌داند هدف او از ارتباط با پدر ۲۶ ساله‌ام چیست.

زن جوان در ادامه گفت: یک ماه قبل به خانه پدرم دستبرد زدند. آن زمان ما خانه نبودیم و سارقان وارد خانه پدرم شده و علاوه بر سرقت مدارک او، کارت عابر بانک، ساعت و مقداری وسایل با ارزش خانه را به سرقت بردند. مادر این رابطه هم شکایت کرده‌ام، اما هنوز پرونده به جایی نرسیده است.

با اعلام ناپدید شدن صاحب مغازه نانواپی به نام سیروس، تحقیقات از سوی کارآگاهان اداره یازدهم پلیس آگاهی پایتخت آغاز شد. مأموران بلافاصله راهی اتحادیه نانواپی‌ان شده و دریافتند که روز حادثه هیچ تماسی با این مرد به نام سیروس از سوی اتحادیه صورت نگرفته است. سیروس هم وقتی به اتحادیه رفته و متوجه شده آنها با او تماس نگرفته‌اند، آنجا را ترک کرده بود. دوربین‌های مدار بسته نشان می‌داد پیرمرد پس از ترک اتحادیه سوار یک خودروی پراید عبوری شده است. کارآگاهان در ادامه تحقیقات شروع به بررسی شماره تلفن‌های تماس گرفته با پیرمرد و همچنین شناسایی هویت طناز کردند. تحقیقات روی این دو شاخه متمرکز شد، اما سیمکارتی که با آن با سیروس تماس گرفته شده بود، بی‌هویت بود. از طرفی مشخص شد که طناز در یکی از شهرستان‌های اطراف تهران خانه مجردی دارد و افراد زیادی به این خانه رفت و آمد دارند. با شناسایی خانه طناز، مأموران راهی خانه او شدند و زن جوان را دستگیر کردند. در بازرسی از خانه طناز مدارک و اسناد و ساعت مچی سیروس کشف شد. مدارکی که از خانه طناز به دست آمد، باعث شد زن جوان لب به اعتراف باز کند. او در تحقیقات گفت: «با پسری به نام شاهین دوست هستم. مدتی قبل دوست شاهین به نام بهرام سراغ ما آمد. حالی خیلی بد بود و از سیروس کینه به دل داشت. بهرام مستاجر سیروس بود و مرد پولدار بی دلیل فرار داشت را قفس کرده و به او ضرر زدند. ابتدا فرار شد از خانه او سرقت کنند که موفق نشدند بعد نقشه آدم ربایی را با کمک دو نفر دیگر به نام‌های نیما و مجید اجرا کردند اما در ادامه پیرمرد را کشتند.» پس از اعترافات طناز چهار متهم دیگر دستگیر شده و به همدستی در ربودن پیرمرد و قتل او اعتراف کردند. آنها در تحقیقات گفتند، بعد از خفه کردن سیروس، جسدش را در کانال آبی در مشیریه رها کرده‌اند که جست‌وجو برای یافتن جسد بی‌نتیجه ماند. با تکمیل تحقیقات در دادسرا، برای شاهین و بهرام به اتهام مشارکت در قتل و برای نیما و مجید به اتهام معاونت در کشتن سیروس کیفرخواست صادر شد. چهار متهم پرونده همچنین در برابر اتهام مشارکت در آدم ربایی هم قرار گرفتند. پرونده برای رسیدگی به شعبه دهم دادگاه کیفری یک استان تهران ارسال شد و چهار متهم از خود دفاع کردند.

در دادگاه چه گذشت؟

در ابتدای جلسه رسیدگی به این پرونده، دختر مقتول درخواست قصاص عاملان قتل پدرش را مطرح کرد و گفت: چهار متهمی که در دادگاه هستند با همدستی هم پدرم را کشتند و برای آنها در خواست قصاص دارم و به هیچ قیمتی حاضر به گذشت نیستم. از خانه ما ۲۵ تخته فرش نفیس هم گمشده و اطمینان دارم متهمان آن را درزدند. بهرام، نخستین متهمی بود که در جایگاه قرار گرفت و در دفاع از خود گفت: چند سال قبل طلاهای مادرم را فروختم و مغازه نانواپی را از سیروس اجاره کردم. بعد از چند ماه به مشکل خوردم و از من خواست مغازه را خالی کنم. در این ماجرا ضرر کردم و همین باعث شد کینه پیرمرد را به دل بگیرم. موضوع را با شاهین در میان گذاشتم و یک شب که سیروس در خانه نبود به خانه‌اش دستبرد زدم اما پول زیادی به دست نیآوردم. بعد فهمیدم شاهین پول و طلاها را از من مخفی کرده و به دختر مورد علاقه‌اش داده است. بعد تصمیم گرفتم با آدم ربایی از او اخاذی کنیم. طبق نقشه با سیروس تماس گرفتم و او را به اتحادیه کشاندیم. موقع برگشت از اتحادیه او را سوار کردم و با تهدید دست و پایش را بستیم. کلید خانه‌اش را گرفتم که نیما و مجید به آنجا رفتند اما دختر سیروس در خانه بود و نتوانستند سرقت کنند. ما سیروس را به باغی در شهریار بردیم که در آنجا سر و صدا کرد و من شاهین شارژر گوشی را دور کردنش گره زدم و خفه‌اش کردم. البته قصد قتل او را نداشتم و وقتی به خودمان آمدم خفه شده بود. به همین دلیل از ترس جسد را داخل کانال آب انداختم.

بعد ادامه شاهین در جایگاه قرار گرفت و گفت: «ما قصد کشتن سیروس را نداشتم. می‌خواستیم از خانواده‌اش اخاذی کنیم اما برای ساکت کردنش سیم شارژر را دور کردنش انداختم. در این ماجرا پولی به دست نیآوردم و از ترس جسد را داخل کانال آب انداختم. بعد از قتل وضعیت روحی‌ام به هم ریخته بود و مدام کابوس می‌دیدم.» نیما هم وقتی در جایگاه قرار گرفت، در دفاع از خود گفت: «در ماجرای قتل نقشی نداشتم و فقط راننده بودم. قرار نبود سیروس کشته شود و نمی‌دانم چرا این اتفاق افتاد.» مجید هم به عنوان آخرین متهم در جایگاه قرار گرفت و گفت: «بهرام کلید خانه را به من و نیما داد تا از آنجا سرقت کنیم اما وقتی صدای دخترش را از داخل خانه شنیدیم، از ترس فرار کردیم و در قتل نقشی نداشتم.» پس از آخرین دفاعیات متهمان قضات برای تصمیم‌گیری وارد شور شدند.



مجد غمخور

راز قتل ۳ طلافروش اصفهانی که در یک باغ در کارزون قربانی انتقامی‌گور شده بودند با شناسایی عامل جنایت در زندان، پس از سه سال فاش شد. به گزارش خبرنگار جام جم، باامداد ۳۱ تیرماه سال ۹۹ صدای شلیک چند گلوله از باغی در اطراف کارزون سکوت صبحگاهی را شکست. نگهبان یکی از باغ‌ها که متوجه صدا شده بود سراسیمه به خیابان آمد اما همه چیز در گرگ‌ومیش هوا عادی بود. او که می‌دانست صدای شلیک از باغ کناری است و این باغ در اختیار مهمانان صاحب باغ است سریع با مرد تاجر تماس گرفت و موضوع را به او اطلاع داد. دقایقی بعد مرد تاجر به مقابل باغش رسید و هرچه با مهمانان تماس گرفت کسی جوابگو نبود. سراسیمه به داخل باغ رفت اما همه چیز عادی بود و خودرو سه مرد طلافروش داخل حیاط بود. دقایقی بعد با ورود مرد تاجر به داخل اتاق او با جسد سه مرد میانسال روبه‌رو شد که به علت اصابت گلوله بی جان روی زمین افتاده بودند. او با پلیس تماس گرفت و از وقوع جنایتی هولناک خبر داد. با حضور مأموران آنها با افساده سه مرد میانسال روبه‌رو شدند که همگی به علت اصابت گلوله به قتل رسیده بودند. صاحب باغ که مردی طلافروش بود و اجساد را پیدا و به پلیس خبر داده بود در بازجویی‌های اولیه مدعی شد هر سه مقتول طلافروش کیفی و اهل اصفهان هستند که برای تجارت طلا ۲۷ سال است که به کارزون رفت و آمد دارند. دو نفر از آنها برادر هستند و سال‌هاست که به جز من با چند نفر دیگر هم تجارت دارند. این سه هر بار به کارزون می‌آیند سه روز مهمان من هستند. تحقیقات پلیس نشان می‌داد قاتل با غافلگیری مقتولان با شلیک از تنگ‌نم‌های آنها راکشته است. کارآگاهان پلیس که احتمال می‌دادند سه مرد طلافروش قربانی سرقت مرگبار شده‌اند، جست‌وجو در باغ را آغاز کردند که مشخص شد کوله‌پشتی حامل ۴۰۰ گرم طلا در یکی از اتاق‌ها دست‌نخورده باقی مانده و خودرو گران‌قیمت آنها

نیز سرقت نشده که همین موضوع فرضیه قتل به دلیل سرقت را رد کرد. در ادامه تحقیقات، کارآگاهان تمام افرادی که با این سه نفر ارتباط داشتند را مورد بازجویی قرار دادند و چند مظنون جنایت هم دستگیر شدند اما هیچ ردی از آنها به دست نیامد. در حالی که سه سال از وقوع جنایت می‌گذشت، چندی قبل کارآگاهان پلیس آگاهی فارس توانستند رد یکی از مجرمان مسلح و خطرناک استان را در قتل طلافروشان اصفهانی پیدا کنند. تحقیقات برای شناسایی مظنون اصلی ادامه داشت که مشخص شد مرد جوان به علت سرقت مسلحانه در یکی از شهرهای استان فارس در زندان است. با اتفاق بعدم به اداره آگاهی او تحت بازجویی قرار گرفت و منکر هرگونه ارتباطی با قتل طلافروشان شد اما سرانجام به این جنایت هولناک با همدستی دوستش اعتراف کرد. قاتل خطرناک در اعترافاتش مدعی شد، طلافروشان اصفهانی را از سال‌ها قبل که به این شهر می‌آمدند می‌شناختم، از چندی قبل با آنها دچار اختلافات شخصی شدم و تصمیم گرفتم آنها را به قتل برسانم. آخرین بار که به کارزون آمدم محل اقامت آنها را شناسایی کردم و با اسلحه ساچمه‌ای که داشتم با همدستی دوستم شبانه وارد باغ بی‌سروصدایی سرشان رفتم و من با شلیک چندگلوله در خواب آنها را کشتم و از در پشتی باغ فرار کردم. متهم با بیان این‌که فکر نمی‌کرد شناسایی و دستگیر شود، گفت: به جرم سرقت مسلحانه در زندان بودم که مأموران سراغم آمدند و فهمیدم راز قتل سه مرد اصفهانی فاش شده است. سرهنگ کاووس حبیبی، رئیس پلیس آگاهی استان فارس با اعلام این خبر گفت: همدست متهم نیز در زندان شناسایی شد و به همراهی قاتل اعتراف کرد. متهمان با انتقال به محل ارتکاب قتل، صحنه جنایت را بازسازی کرده و با تکمیل تحقیقات روانه زندان شدند.

تنظیمه

سرپرست جمعیت هلال احمر استان سمنان گفت: آتش‌سوزی در کارخانه تولید عطر و ادکلن در شهرک صنعتی ایوانکی گرمسار باعث مصدومیت ۲۰ نفر شد. علیرضا باغبان در این باره به ایرنا گفت: آتش‌سوزی در این کارخانه ساعت ۱۰ و ۳۰ دقیقه صبح دیروز رخ داد. دو تیم از آتش‌نشانی شعبه‌های گرمسار و پاکدشت در استان سمنان به محل حادثه اعزام شدند. آتش‌شان‌ها به مهار آتش پرداختند.

اعتراف به قتل ۳ طلافروش اصفهانی بعد از ۳ سال



جسد متعلق به ناصر باشد. به همین خاطر برداش با حضور در پزشکی قانونی ناصر را شناسایی کرد. باشناسایی هویت مقتول، روند رسیدگی به پرونده در مرحله‌ای تازه شد و مأموران در تحقیقات محلی متوجه اختلافات ناصر و همسرش شدند. با کشف این سرخ احتمال ارتکاب قتل از سوی شیوا قوت گرفت و با بررسی روابط او، متوجه ارتباط پنهانی این زن با مرد جوانی به نام مهران شدند و تحقیقات را بر روی این دو نفر متمرکز کردند. در حالی که سرخ‌هایی به دست آمده بود که نشان می‌داد این دو نفر با هم ارتباط پنهانی داشته و به احتمال زیاد مرتکب قتل شده‌اند، قاضی جنایی دستور بازداشت هردوی آنها را صادر کرد. متهمان ابتدا منکر هرگونه اطلاع از قتل ناصر شدند اما در ادامه زن جوان لب به اعتراف گشود و در تحقیقات گفت: چندی قبل با مهران آشنا شده و ارتباط مان شکل گرفت. او برای این‌که بتواند راحت با من ارتباط داشته باشد، نقشه قتل شوهرم را طراحی کرد و بر اساس نقشه، شب حادثه داروی خواب‌آور در شربت شوهرم حل کرده و به او اادم. وقتی بیهوش شد، مهران وارد خانه شده و با اسلحه شوهرم را کشت. بعد هم جنازه را به شهر دیگری منتقل کرد و برای این‌که هویت او شناسایی نشود، رویش اسید ریخت. فکر نمی‌کردیم راز این جنایت فاش شود و دستگیر شویم. مهران هم در ادامه وقتی دید همدستش به ارتکاب قتل اعتراف کرده، به کشتن ناصر اعتراف کرد. سرهنگ قربانعلی روستا، فرمانده انتظامی قهر و کارزین با اشاره به این خبر گفت: پس از اعتراف دو متهم به ارتکاب این جنایت، آنها با قرار قانونی روانه زندان شدند و تحقیقات در این رابطه از سوی کارآگاهان ادامه دارد.



بازداشت ۴۵ سارق و مالخر گوشی در پایتخت

جمع خبرنگاران گفت: کارآگاهان پلیس آگاهی تهران در چند روز گذشته توانستند ۴۵ سارق و خریدار اموال سرقتی که حرفه‌ای و سابقه‌دار بودند را بازداشت کنند. از مخفیگاه متهمان ۷۰۰ دستگاه گوشی سرقتی کشف شد. تعدادی

مکت

شیمیا ۲۳ ساله یکی از اعضای این باند سرقت گفت : از بچگی عاشق فوتبال بازی کردن و فوتبالیست شدن بودم. حتی رفتم دانشگاه رشته تربیت‌بدنی خواندم. در تیم فوتبال‌های محلی بازی می‌کردم به عنوان دروازه‌بان، می‌خواستم عضو یکی از تیم‌های پایتخت شوم و به تیم ملی راه پیدا کنم اما دوستی‌ام با میلاد که کشتی‌گیر و دارای مقام استانی امام‌عطاء و خلافت‌کار بود، زندگی‌ام را عوض کرد. ما ترک موتور آنها می‌نشستیم، افراد را شناسایی و آنها گوشی‌ها را می‌قاییدند. یک روز که میلاد به دیدنم آمد، فهمیدم یک گوشی غریبه آورده و عکس‌های آن را که همه زنانه بود، به گوشی‌ام منتقل کرده بود. فهمیدم مال یک زن است و درباره آن حرفی نمی‌زد، گمان بردم به من خیانت کرده که صحنای شدم، او را تلفنی به پلیس لو دادم که هر دو بازداشت شدیم.



معحسن، سرکرده باند سرقت گوشی‌های تلفن همراه است که ۲۰۰ فقره دزدی در پرونده‌اش دارد، گفت: در زمینه سقف‌های کاذب و دکوراسیون داخلی فعالیت دارم و در کنار آن سرقت گوشی‌های مردم را انجام دادم مثل میلاد کشتی‌گیر بودم و مدال داشتم، اما معتاد شدم. میلاد با دختر مورد علاقه‌اش به قمارخانه‌ای می‌آمدند که من هم در آنجا بودم و همان جا با شیوا آشنا شدم و نقشه سرقت‌ها را طراحی کردم. اول می‌رفتم بازار علاءالدین و مدل و قیمت گوشی‌ها را پیدا می‌کردیم که کدام را سرقت کنیم. آن محل در میان سارقان گوشی به قاسم مهاجر معروف است. وی افزود: هنگام سرقت زن‌ها جعب می‌کشیدند و برای همین سرقت از آنها را کمتر انجام می‌دادیم. در خیابان‌ها و ایستگاه‌های اتوبوس و دو دختر جوان همدست من سوزه‌ها را شناسایی و مادر ۲۰ ثانیه گوشی آنها را می‌قاییدیم. برخی مواقع دختر مورد علاقه‌ام ترک موتور بود و گوشی‌های سرقتی را به او می‌دادم تا در کیفش بگذارد که دوربین‌ها تصویر دست چپ او که گوشی را می‌گرفت و تنوی گل داشت را ثبت کرده بودند، همین باعث شده بود که شاکیان گمان ببرند سارق یک زن است. در همه سرقت‌ها موفق بودیم بجز پنج مورد. قبل از دستگیری‌ام در خانه میلاد، سر کوچه‌شان پسر ۱۱ ساله‌ای را دیدم که آیفون ۱۱ داشت، سی‌لی‌ای به او وزدم و گوشی را گرفتم، چند دقیقه بعد به خانه میلاد رسیدم که بازداشت شدم. بعد از دستگیری متوجه همسر باردار یکی از مالباختگان که به‌د از به شوخی بعد از سرقت گوشی شوهرش به او گفته بودیم وی را کشتیم فرزند آن دو قلویش را از دست داد.

جام جم

حوادث INCIDENT ۱۹

دوشنبه ۳۰ مرداد ۱۴۰۲ ۶۵۶۵ شماره

کوتاه از حوادث

۲ پرونده جنایی در اولین روز هفته

مرگ مشکوک مامور جوان در مهمان پذیر و قتل تبعه افغانستان در جریان درگیری با همدستش دو پرونده جنایی بوده که دیروز به بازپرس جنایی تهران گزارش شد. به گزارش خبرنگار جام جم، ساعت ۱۶ بعد ازظهر شنبه بیست‌وهشتم مرداد امسال یکی از ماموران کلاترری رازی در تماس با بازپرس کشیک قتل دادسرای جنایی تهران از مرگ مشکوک مردی خبر داد. تیمی از ماموران اداره دهم پلیس آگاهی تهران برای بررسی ماجرا به مهمان پذیر اعزام شدند. جسد در یکی از اتاق‌ها افتاده بود و لباس‌های پلیسی در آنجا کشف شد. با تحقیق از مدیر آنجا مشخص شد این مامور پلیس از میرجاوه به تهران آمده و به طرز مشکوکی در اتاق فوت کرده بود. دو ساعت بعد از این ماجرا، یکی از ماموران کلاترری جوادیه تهرانتپارس در تماس با بازپرس کشیک قتل دادسرای جنایی تهران اطلاع داد دو مرد جوان تبعه افغانستان با هم درگیر شده و یکی از آنها کشته شده و دیگری در بیمارستان بستری است.

ماموران به تحقیق از شاهدان ماجرا پرداختند که معلوم شد قاتل و مقتول به‌عنوان کارگران یک مرکز باربری کار می‌کردند و مدام بر سر مسائل کاری و دستمزد اختلاف داشتند و بر سر همین اختلاف با هم درگیر شده و با جاقو همدیگر را زخمی کرده بودند که یکی از آنها جان باخت. متهم که در بیمارستان بستری است، در تحقیقات اولیه به این قتل اعتراف کرد.

وحید ناصری، بازپرس شعبه چهارم دادسرای جنایی تهران با تأیید این خبر به جام جم گفت: در پرونده نخست قرار شد پزشکی قانونی علت مرگ مشکوک مامور جوان را اعلام کند. در پرونده دوم نیز قرار شد متهم بعد از بهبود در پلیس آگاهی تحت بازجویی قرار بگیرد تا انگیزه قتل مشخص شود.

برخورد با عاملان فروش آپارتمان به سگ

در پی انتشار ویدئویی از فروش یک دستگاه آپارتمان به یک قلابه سگ، مرکز اطلاع‌رسانی پلیس پایتخت از ورود به این موضوع و برخورد با متصدی آژانس املاک مذکور خبر داد. به گزارش مرکز اطلاع‌رسانی پلیس، بعد از انتشار ویدئویی با موضوع فروش آپارتمان مسکونی در محدوده پونک به یک قلابه سگ به به نام «جست» در فضای مجازی که با واکنش منفی کاربران فضای مجازی همراه شده بود، تحقیقات مأموران پلیس نظارت بر امکان عمومی فریاددهی انتظامی تهران بزرگ در این باره آغاز شد.

با شناسایی محل بنگاه املاک مربوط در منطقه جنت‌آباد مرکزی، صبح روز شنبه ۲۸ مردادماه ۱۴۰۲، متصدی این بنگاه به هویت مشخص توسط پلیس دستگیر و بنگاه مربوط نیز با دستور مقام قضایی دادسرای ناحیه ۵ تهران تهران پلمپ شد.

۲ کشته در اختلاف خانوادگی

مردی که در پی اختلاف خانوادگی دو نفر را کشته و گریخته بود، بازداشت شد. مسلم کرم‌اللهی، دادستان عمومی و انقلاب شوش استان خوزستان به میهر گفت: در پی اختلاف خانوادگی، مردی در شهر حر با استفاده از اسلحه کلت کمری دو نفر را به قتل رساند. او تحت تعقیب بود که در کمتر از یک ساعت فرار مخفیگاهش شناسایی و او بازداشت شد.

تیراندازی مرگبار در خیابان

تیراندازی در یکی از خیابان‌های شهر گرگان به قتل یک نفر و زخمی شدن دو مرد دیگر منجر شد. سرهنگ علی تجری، فرمانده انتظامی گرگان استان گلستان به سایت پلیس گفت: ظهر یکشنبه بیست‌ونهم مرداد امسال در پی اعلام به مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ یمنی بر وقوع یک فقره درگیری منجر به تیراندازی در یکی از معابر شهر گرگان، ماموران کوچه روزنه اعزام شدند. وی افزود: بررسی‌ها نشان می‌داد دو نفر از سرنشینان یک دستگاه خودرو با سلاح کلت کمری به سمت سه نفر از شهروندان تیراندازی کردند. مردی ۴۹ ساله کشته شده و دو نفر دیگر زخمی و در بیمارستان بستری شدند.

تحقیقات اولیه پلیسی نشان می‌داد که اختلاف شخصی عامل این ماجرا بوده که متهمان تحت تعقیب قرار گرفتند.